

واکاوی جایگاه حزب و آزادی تحزب در نظام اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید بهشتی

دریافت: ۱۴۰۲/۶/۳ تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۴ هادی طحان‌نظیف*
و محمدصادق داریوند**

چکیده

آزادی تشکیل احزاب سیاسی از آزادی‌های مقرر در جوامعی است که نظام حقوقی آن، امکان انجام فعالیت‌های حزبی برای افراد جامعه در قوانین بالادستی آن را دارای اعتبار و رسمیت بداند. پس از تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، این آزادی در اصل ۲۶ توسط منتخبان ملت تصویب شد. یکی از افرادی که تأثیر فراوانی در روند تصویب این اصل داشته است، شهید بهشتی است. مقاله پیش رو با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از آثار ایشان، به دنبال پاسخ به این پرسش است که نقش حزب و آزادی تشکیل احزاب در نگاه شهید بهشتی در حکومت اسلامی به چه نحوی است؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شهید بهشتی حزب را تجمعی از انسان‌های معتقد به اسلام و انقلاب می‌داند که برای انجام کارهای جامعه و کمک به رهبری گرد هم آمده و ضرورت تشکیل حزب، ناشی از نیاز نظام اسلامی به کادر اجرایی است. از نگاه ایشان احزاب به سه دسته اسلامی، غیر اسلامی و ضد اسلامی تقسیم شده و احزاب باید از مشخصاتی؛ مانند پیروی از ولی فقیه، مردمی‌بودن، نگاهبانی ارزش‌ها و اعلام صریح مواضع برخوردار باشند.

واژگان کلیدی

تحزب، آزادی تحزب، قانون اساسی، نظام اسلامی، اندیشه‌های شهید بهشتی

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق 7 : tahan@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق 7 : s.darivand@isu.ac.ir

مقدمه

وجود احزاب و تشکلهای سیاسی از چنان اهمیتی برای اداره مطلوبتر جامعه برخوردار است که امروزه در قوانین اساسی نظامهای مردممحور و پارلمانی، آزادی احزاب و عضویت در آنها حق اجتنابناپذیر ملتها شناخته شده است. احزاب و گروههای سیاسی با نقد و ارزیابی عملکرد دولتها، راهکارهای مطلوب و اصلاحی خود را برای حل مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در اختیار زمامداران قرار می‌دهند. بدیهی است که تعامل دولت با احزاب سیاسی در این زمینه منجر به رفع نقایص اداره امور و مدیریت مطلوب امور جامعه خواهد شد و بر همین اساس، در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی، تشکیل احزاب سیاسی و انجمنها و عضویت در آنها به شرط آن که مخل به استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نگردد، به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، احزاب، تشکلهای و گروههای سیاسی که در چارچوب موازین قانونی تشکیل شده باشند، به دو شکل در روابط سیاسی و اجتماعی ظهور و بروز خواهند داشت:

۱. در مقام بیان دیدگاهها و ارائه برنامه‌های خود به منظور کسب آرای مردم.
۲. در مقام بیان دیدگاههای انتقادی خود نسبت به اعمال دولت و ارزیابی عملکرد دولت (شاه‌علی، ۱۳۹۲، ش ۳۵، ص ۱۲۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ۱ و تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نمایندگان منتخب مردم، فصل سوم این قانون اساسی را با عنوان حقوق ملت نام‌گذاری کردند و در این فصل و بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی، فعالیت جمعیتها و احزاب سیاسی به رسمیت شناخته شد. یکی از افرادی که در روند تدوین قانون اساسی تأثیر فراوانی داشته و توضیحات ایشان خصوصاً در رابطه با تصویب اصل بیست و ششم قانون اساسی تأثیرگذار بوده است، مرحوم شهید بهشتی؛ است. ایشان یکی از ارکان و بازوهای توانمند انقلاب اسلامی بوده است و به دلیل ویژگیهای منحصر به فرد شخصیتی؛ مانند مدیر و مدبر بودن،

برخورداری از بینش و معرفت صحیح اسلامی، صبر و تحمل بالا، بهره‌مندی علمی و فقهی از محضر فقیهان شاخص و ممتازی چون آیه‌الله العظمی بروجردی؛ علامه طباطبایی؛ آیه‌الله خوانساری؛ و امام خمینی¹، برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و کسب مدرک دکتری از دانشگاه تهران، انجام فعالیت‌های فرهنگی از جمله شرکت در تأسیس و اداره مدرسه علمیه حقانی، مدرسه رفاه و دبیرستان دین و دانش و حضور چندساله در مرکز اسلامی هامبورگ، به منظور انجام رسالت تبلیغ دینی و آشناسدن با جهان مدرن و شرایط و اقتضائات آن، انجام مبارزه سیاسی جدی با نظام طاغوت و زندانی شدن توسط ساواک، حضور در تأسیس و اداره حزب جمهوری اسلامی به عنوان دبیر کل، حضور در شورای انقلاب، نایب‌رئیس بودن در مجلس خبرگان قانون اساسی و اداره بیش‌تر جلسات توسط ایشان و ریاست دیوان عالی کشور و شورای عالی قضایی از جمله ابعاد برجسته و ممتاز زندگانی شهید بهشتی است که حکایت از اهمیّت و ارزش والای جایگاه اندیشه ایشان در پژوهش حاضر دارد. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش اساسی پاسخ دهد که حزب در نگاه و اندیشه شهید بهشتی دارای چه جایگاهی است و ضرورت و مبنای وجود حزب در جامعه و مشخصات حزب مطلوب از نگاه ایشان چیست و از نگاه ایشان آزادی تحرّز و تشکیل احزاب چگونه ارزیابی می‌شود.

در خصوص پیشینه نظری تحقیق باید اظهار داشت که تاکنون در ارتباط با جایگاه حزب در اندیشه اسلامی، تحقیقاتی نگارش یافته است؛ از جمله در مقاله «جایگاه بحث احزاب در اندیشه سیاسی اسلامی» (۱۳۷۷)، نوشته آقای حقیقت، تلاش شده است تا ضمن بررسی رابطه میان پدیده‌های نوین؛ همانند حزب و مکتب اسلام و نیز بررسی اجتهادات فقهی در خصوص احزاب، به واکاوی جهات مثبت و منفی احزاب سیاسی و چشم‌انداز آن‌ها در ایران اسلامی پرداخته شود. هم‌چنین مقاله «جایگاه تحرّز در اسلام» (۱۳۹۵)، نوشته آقایان دامیار و عبوضی است که نویسندگان تلاش داشته‌اند تا ضمن بررسی سابقه حزب‌گرایی در مکتب اسلام، ظرفیت‌های دین برای پیاده‌سازی تحرّز در نظام اسلامی را مورد تأکید قرار بدهند. هم‌چنین در خصوص جایگاه تحرّز

در اندیشه امامین انقلاب اسلامی نیز مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله مقاله «تحزب در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی» (۱۳۸۶)، نوشته دکتر اخوان کاظمی است که نویسنده سعی بر آن داشته تا با تشریح ریزمؤلفه‌های اندیشه ایشان، جایگاه تحزب را مورد واکاوی قرار دهد. هم‌چنین آقای لطیفی در مقاله «تحزب از منظر امام خمینی 1 و مقام معظم رهبری» (۱۳۹۳)، تلاش کرده تا تحزب، انواع و مشخصه‌های حزب مطلوب از نگاه ایشان را مورد بررسی قرار دهد، اما در ارتباط با آرای شهید بهشتی پیرامون تحزب، تنها یک پژوهش مستقل به رشته تحریر درآمده است و آن مقاله «بررسی جایگاه تحزب در اندیشه شهید بهشتی» (۱۳۹۵)، نوشته آقای سروستانی و خانم ماهر بوده است که نگارندگان کوشش داشته‌اند تا با بررسی تعریف حزب در نگاه مشهور و جایگاه آن در قرآن، مروری کوتاه بر جایگاه تشکلهای سیاسی از نگاه شهید بهشتی داشته باشند.

در همین راستا وجه نوآورانه مقاله پیش رو و تفاوت نوشتار حاضر با آثار یادشده در آن است که چهار منبع نخست به ترتیب بر تبیین حزب‌گرایی در اندیشه اسلامی و اندیشه رهبران نظام جمهوری اسلامی تمرکز داشته‌اند؛ حال آن که مقاله پیش رو بر آرا و نظرات شهید بهشتی؛ متمرکز بوده است. در خصوص تفاوت نوشتار حاضر با منبع پایانی نیز باید اشاره داشت که تحقیق فوق‌الذکر صرفاً به یک مرور گذرا از اندیشه شهید بهشتی در رابطه با بحث حزب و مسائل مرتبط با آن پرداخته است؛ در حالی که مقاله حاضر اولاً: سعی بر آن داشته است تا با یک نگاه جامع و کل‌نگر و با بررسی همه منابع موجود و جدیدالانتشار از شهید بهشتی، به تبیین این موضوع پردازد. ثانیاً: مقاله پیش رو همه مسائل مرتبط با حزب از جمله مفهوم حزب، ضرورت وجود حزب، مبنای وجود حزب، ویژگی‌های حزب مطلوب و تقسیم‌بندی احزاب از نگاه شهید بهشتی را مورد بررسی قرار داده و در یک مقاله مجزا و به شکل متمرکز گردآوری نموده است و ثالثاً: در نوشتار حاضر؛ هم به جهت کمیت و هم از لحاظ کیفیت، پرداختن به مطالب و نیز آثار مورد استفاده از شهید بهشتی از گستردگی و تنوع بیش‌تری نسبت به اثر یادشده برخوردار است.

در همین راستا ابتدا ضمن بررسی مفهوم حزب از دیدگاه مشهور، دیدگاه شهید بهشتی

در باره مفهوم حزب، مورد تبیین واقع شده سپس موضع فکری ایشان در خصوص ضرورت حزب و مبنای وجود آن در جامعه بررسی و توضیح داده خواهد شد. در ادامه با بررسی نقطه نظرات شهید بهشتی در خصوص حزب و تشکیلات، مشخصه‌های حزب مطلوب در عقیده ایشان مورد واکاوی قرار می‌گیرد و پس از آن، انواع احزاب از نگاه ایشان مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، آزادی تحزب و تشکیل احزاب و پیامدها و کارکردهای مثبت و منفی آن در اندیشه شهید بهشتی زیر ذره بین می‌رود.

مفهوم حزب^۱

در این بند ابتدا مفهوم حزب از نگاه مشهور مورد واکاوی قرار گرفته و پس از آن، عقیده شهید بهشتی مورد تشریح واقع می‌گردد.

تعریف مشهور

برخی از نویسندگان، مانند ادموند برک،^۲ حزب سیاسی را هیأتی از مردم می‌داند که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش مشترک و بر اساس برخی اصول سیاسی مورد توافق، متحد شده‌اند. برخی، مانند لیکاک،^۳ حزب سیاسی را گروه کم و بیش سازمان یافته شهروندانی می‌داند که به عنوان یک واحد سیاسی با هم عمل می‌کنند، در مسائل عقاید مشترکی دارند و با استفاده از اختیار دادن رأی در راستای هدفی مشترک می‌کوشند تا بر حکومت تسلط یابند. عده‌ای نیز مانند مک آیور،^۴ حزب سیاسی را گردهمایی سازمان یافته‌ای برای حمایت از برخی اصول یا سیاست‌ها که از راه‌های قانونی می‌کوشند حکومت را به دست گیرد، تعریف می‌نماید (ابطحی و حیدری، ۱۳۹۲، ش ۲۴، ص ۱۲۹). برخی نیز مانند اندرو هیوود،^۵ مؤلف و نویسنده مشهور کتب درسی علوم سیاسی در انگلستان، در باره تعریف حزب و مشخصه‌های آن اعتقاد دارد احزاب سیاسی به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که در راستای تحصیل قدرت حکومتی با تمسک به ابزار و ادوات انتخاباتی و یا غیر آن به وجود می‌آیند. به‌طور معمول ۴ مشخصه، احزاب را از دیگر جمعیت‌ها متمایز می‌سازد: ۱. حزب از راه دستیابی به قدرت، خواستار اعمال نیروی حکومتی است. اگرچه امکان دارد احزاب کوچک در راستای

تحصیل جایگاهی اجتماعی و نه به دست آوردن مناصب، به ابزار انتخابات تمسک جویند. ۲. احزاب سیاسی، بنیاد و سازمان‌هایی منظم هستند که عضویت در این نهادها جنبه رسمی دارد و با صدور کارت عضویت ممکن می‌شود. ۳. احزاب معمولاً سیاست‌گذاری وسیعی را مد نظر خود قرار می‌دهند که ناظر بر هر کدام مسائل مربوط به خط مشی حکمرانی است و ۴. نوعاً، ولی به میزان مختلفی، سلاقی و علایق سیاسی نزدیک و هویت مسلکی عام از جمله اسباب وحدت‌ساز در درون احزاب می‌باشند (هیوود، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴).

تعریف شهید بهشتی

شهید بهشتی که خود از به وجود آورندگان و اداره‌کنندگان یکی از مهم‌ترین حزب‌های تاریخ معاصر ایران؛ یعنی حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند، در باره تعریف حزب اعتقاد دارند:

حزب به معنای تشکیلات اسلامی، اجتماعی، سیاسی است که در صدد به هم نزدیک کردن استعدادها و ساماندهی و سازماندهی به آن‌ها و تقویت پیوند میان آن‌ها باشد. احزاب یا تشکیلات، مجموعه‌ای از افراد هستند که بر اساس آرمان، ایمان و دیدگاه مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت شوند: «یدالله مع الجماعة» تا بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق، کار دست‌جمعی و رشد استعدادها و شناخت کادرها و تربیت آن‌ها و تهیه برنامه و پذیرش مسؤولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند. حزب از ضرورت‌های زمان است. به شرط این که یکی از اصول پذیرفته‌شده این تشکیلات این باشد: متشکل می‌شویم تا پاسدار ارزش‌ها باشیم و نه شخص‌ها و فردها. وقتی عده‌ای دور هم جمع می‌شوند، اگرچه به نام اسلام، ولی موضوعی را برای خود بخواهند، هرگز مطلوب نیست... اگر حزب به یک چنین معنایی باشد، وظیفه من و شما و همه این است که حزبی نباشیم، ولی اگر این مجموعه متعهد می‌شود که در خدمت ارزش‌ها و در خدمت خلق خدا بر اساس این ارزش‌ها باشد، بسیار ارزشمند است و تشکیلات معنایش این است که هر

کسی در جای خودش قرار بگیرد و کار خود را انجام بدهد، این می‌شود تشکیلات. تشکل خوب و سالم، تشکلی است که یک نظام ارزشی را روشن و صریح مطرح می‌کند. می‌گوید ما پاسدار این نظام ارزشی هستیم. هرکس این ارزش‌ها را ندارد، مورد انتقاد ماست؛ خواه عضو تشکیلات ما باشد، خواه نباشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۱۴۹).

بنابراین، از نگاه ایشان حزب در نظام اسلامی؛ یعنی اجتماع و سازمان‌یافتن و سازمان‌پذیرفتن افرادی که همه هم‌دیگر را می‌شناسند و به همدیگر اعتماد دارند و به مکتب اسلام به عنوان یک دین معتقد هستند و می‌خواهند یک نظام اجتماعی و اقتصادی و معنوی را بر پایه حاکمیت اسلام داشته باشند و جامعه اسلامی را اداره کنند یا در اداره جامعه اسلامی سهیم گردند.

ضرورت و مبنای وجود حزب در جامعه اسلامی

در این بند ابتدا پیرامون ضرورت وجود حزب در جامعه اسلامی و نظام اجتماعی از نگاه آیه‌الله بهشتی توضیحاتی داده شد و پس از آن، مبنای وجود حزب در جامعه اسلامی بنا بر عقیده ایشان مورد تشریح واقع می‌گردد.

ضرورت وجود حزب در نظام اسلامی

انسان باید در زندگی اجتماعی به دنبال هدفی باشد؛ چراکه رشد و تعالی خود را در سایه زندگی اجتماعی می‌یابد و تنها در سایه اجتماع است که پیشرفت حاصل می‌شود و انسان‌ها راه زندگی را بهتر می‌شناسند و در نتیجه به کمال نهایی و تأمین مصالح مادی و معنوی نایل می‌شوند. به هر صورت، انگیزه زندگی اجتماعی انسان هر چه باشد، اجتماعی بودن او امری بدیهی و انکارناپذیر است و بدین ترتیب، انسان‌ها برای آن‌که هر چه بیش‌تر به کمال دست یابند و نیازهای خود را مرتفع سازند، نیاز به زندگی اجتماعی دارند؛ چراکه بشر، اگر به تنهایی زندگی کند، قادر به تأمین همه مصالح خود نخواهد بود (صالحی، ۱۳۹۰، ش ۱۱۷، ص ۹۹). احزاب و گروه‌های سیاسی با سازماندهی گرایش‌ها و تفکرات سیاسی موجود در میان افراد جامعه، سبب نزدیک‌تر شدن خرده‌گرایش‌ها و کشش‌های

فردی و جمعی در صورت‌هایی؛ مانند نظرات اندیشمندان (دکترین)، جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ها و نیز نظام‌واره‌های اندیشه‌ای منسجم می‌شوند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۹، ص ۳۲۴). شهید بهشتی اعتقاد دارد که در نظام اجتماعی بایستی به همه گروه‌های فکری، فرصت اظهار نظر داده شود و امکان آن داده شود که بتوانند نظرات خود را به صورت فردی و جمعی بیان کنند. ایشان معتقد است که باید در محیط اجتماعی سالم، افراد و گروه‌ها توانایی اظهار نظر خودشان را در باره مسائل مختلف داشته باشند، حتی اگر نظرات‌شان مخالف نظر انقلاب اسلامی باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (الف)، ص ۸۷). از این رو، یکی از مظاهر آزادی انسان‌ها در محیط اجتماع، آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی است. فلسفه وجودی جمعیت‌های سیاسی و صنفی و احزاب این است که مردم در برابر قدرت دولت، به وسیله تشکل‌های سازمان‌یافته بهتر می‌توانند مطالبات خود را پیگیری نمایند و شکل‌گیری این جمعیت‌ها و احزاب، نشان‌گر تنوع عقاید و افکار در میان مردم است (جوان آراسته و ملک‌افضلی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲). در باور شهید بهشتی یکی از حقوق طبیعی هر انسان آن است که بتواند با انسان‌های دیگر که با او هم‌فکر و هم‌هدف هستند، هم‌کاری نزدیک داشته باشد تا با هم به صورت یک گروه سازمان‌یافته درآیند و با رعایت موازینی که در مورد آزادی بیان و تبلیغ وجود دارد، به تبلیغ نظرات خود یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر بپردازند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۶). ایشان ضرورت وجود حزب در جامعه را ناشی از اهمیت متشکل‌بودن و سازماندهی نیروهای مؤمن و معتقد به انقلاب اسلامی می‌دانند و اعتقاد دارند حزب و تشکیلات، وسیله‌ای برای انجام بهتر مسئولیت‌ها و خودسازی و رشد اخلاق دسته‌جمعی است و انجام کار دسته‌جمعی از آن نظر دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد که نتایج و ثمرات بیش‌تری برای جامعه به ارمغان می‌آورد و تشکیل حزب بر مبنای اجتماع، دائرمدار اهداف مشترکی که فراتر و برتر از سطح منافع شخصی و اقتصادی بوده و بر محور ارزش‌های انسانی و اسلامی است، از جمله کارهای ارزنده و برجسته محسوب می‌شود که موجب خشنودی خداوند شده و دست قدرت الهی را با آن مجموعه همراه خواهد ساخت (همان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴-۱۰۳). از نگاه ایشان زمانی که یک انقلاب با حضور جمعی مردم در سایه رهبری اسلامی به پیروزی می‌رسد، شرط

نگه‌داشت این پیروزی در خط اصیل مبارزه، به خصوص پس از پیروزشدن و مسؤولیت‌ها را برعهده‌گرفتن، این است که نیرویی سازمان‌یافته و متشکل، دارای مواضع مشخص و روشن و خطی آینده‌نگر و برنامه‌هایی متناسب با نیازها، مسؤولیت را به عهده بگیرد و این نیروی متشکل، نیرویی باشد متکی به همان مردمی که مبارزه کردند (همان، ۱۳۹۰ ج)، ص ۲۲). بنابراین، از نگاه شهید بهشتی ضرورت وجود حزب در جامعه اسلامی و به تعبیر دقیق‌تر، داشتن تشکیلات سیاسی اجتماعی دارای فرهنگ اصیل انقلاب و مورد اعتماد مردم و برخوردار از پایگاه مردمی در نظام اسلامی، شرط موفقیت در تداوم مبارزه و انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود.

مبنای وجود حزب در نظام اسلامی

حزب یک پدیده نویناد در جهان امروز محسوب می‌شود که از جهان غرب به سایر نقاط جهان از جمله کشور ایران صادر شده است و از این جهت، بایستی ریشه‌های آن از نگاه آموزه‌های اسلامی به عنوان یک پدیده نوظهور مورد واکاوی قرار گیرد. از جمله مبنای نظام اسلامی که در راستای وجود حزب می‌توان از آن‌ها بهره جست، دو اصل مهم «امر به معروف و نهی از منکر» و اصل «شورا و مشورت» می‌باشد.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجبات پر اهمیت در دین مبین اسلام محسوب می‌شود و در اصل ۸ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران^۶ یک وظیفه همگانی تلقی شده که بر عهده همه مردم جامعه و دولت اسلامی است. یکی از راه‌های تحقق مشارکت سیاسی مردم در نظام اسلامی، استفاده از احزاب برای اعمال این اصل بنیادین است. به دیگر سخن، می‌توان اظهار داشت که احزاب به مثابه نهادهایی که صدای رسای مردم تلقی می‌شوند، می‌توانند در راستای ایفای نقش واسطه‌گری خود در راه انجام وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر بر طبق اصل هشتم قانون اساسی که وظیفه‌ای عام و همگانی میان مردم و دولت انگاشته شده است، گام بردارند و نقطه‌نظرات، پیشنهادات و انتقادات مردم در خصوص نحوه حکمرانی را به زمام‌داران انتقال داده و نیز در انتخابات‌های مختلف با تبلیغ اندیشه‌های حزبی،

نظر مثبت مردم را جلب نموده تا در نظام سیاسی و حکمرانی کشور نسبت به اصلاح وضع موجود، در راه وصول به وضع مطلوب اقدام نمایند. بنابراین، احزاب می‌توانند در راستای انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح کلان جامعه و نظام حکمرانی کشور با استفاده از تشکیلات سازمان‌یافته و منظم اقدام کرده و در برابر انحراف یا تعدی‌های احتمالی ایستادگی نموده و زمام‌داران را با نظارت روش‌مند از فساد بر حذر دارند (کامل‌نواب، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴).

از دیگر سو، اصل شورا و مشورت و مشروعیت آن در نظام اسلامی می‌تواند مبنایی برای یکی از قالب‌های نهادینه شورا؛ یعنی احزاب باشد. توضیح آن که شورا و مشورت به ویژه در مسائل مربوط به حکومت و اخذ تدابیر سیاسی در فقه و کلام اسلامی پیشینه طولانی دارد و حجیت خود را نزد شیعه علاوه بر مبانی قرآنی و روایی از سیره پیامبر اکرم ﷺ و معصومین علیهم‌السلام : اخذ می‌کند. در واقع شورا و مشورت به معنای اظهار نظرخواستن از دیگران و دخالت‌دادن آن‌ها نسبت به یک امر، پرهیز از تکروی و استبداد رأی می‌باشد که برای درک حقایق و دستیابی به بهترین گزینه، طریقه‌ای عقلانی و مرسوم بین انسان‌ها است و تأکید اسلام به انجام مشورت در امور، در حقیقت تأیید و تأکیدی بر همین طریقه عقلایی پرثمر است؛ تا آن‌جا که در قرآن مجید سوره چهل و دوم آن، «شوری» نام گرفته است. بدین ترتیب، با تأکیدات قرآنی و روایی متعدد، اصل مشروعیت و مطلوبیت مشورت و دست کم الزامی و ضروری بودن آن در برخی امور، جای بحث و انکار ندارد. مسأله کیفیت مشورت و موارد آن؛ نظیر بحث «النصیحة لأئمة المسلمین»، کیفیت و شرایط و موارد آن، پیامد پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا اسلام الگو و روش و گونه خاصی را برای تحقق این گونه مشارکت‌های مردم پیش‌بینی کرده است یا آن که بر قالب و شکل خاصی تأکید نکرده و شیوه آن را به مناسبات اجتماعی در هر زمان و افزایش تجارب عقلایی و نهاده است؟ بدیهی است گزینه دوم صحیح است و احزاب و تحزب را می‌توان از قالب‌های نوین شور و مشورت در عصر امروزی دانست و از آن به عنوان یکی از ابزارهای اجرای اوامر قرآنی و روایی به مشورت در کلیه امور اجتماعی و سیاسی در سطوح کلان نظام اسلامی سود جست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ش ۸۲، ص ۳۵-۳۴).

نظرات پیرامون مبنای وجود حزب در نظام اسلامی

در خصوص مبنای وجود احزاب و گروه‌های سیاسی در نظام اسلامی دو دیدگاه وجود دارد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند و پس از آن نظر مختار شهید بهشتی مورد تبیین واقع می‌شود.

دیدگاه مخالفین

اشخاصی که مخالف وجود احزاب در نظام حقوقی بر پایه ولایت فقیه هستند، بیان می‌دارند که احزاب و گروه‌های سیاسی فقط در نظام‌های دموکراتیک امکان تشکیل و ظهور و بروز دارند و تنها راه موجود برای برپاسازی آن‌ها وجود این چنین نظامی است. به عبارت دیگر، معتقدان به این نظر با استناد به عللی، مانند رواج جدایی و تفرقه در میان جامعه اسلامی از راه وجود احزاب گوناگون، تضاد میان تعصب‌های حزبی با تعلیمات اسلامی، مسیوق به سابقه نبودن حزب‌گرایی در سال‌های ابتدایی رواج اسلام و عدم دقت به آن در بنیان‌های فقهی و کلامی و مبانی انسان‌محور و غیر دینی به وجود آمدن حزب و تشکیلات سیاسی در نظام‌های غیر دینی بر این باورند که امکان تشکیل احزاب در نظام اسلامی وجود ندارد (کعبی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴، ش ۹، ص ۱۲۳). بنابراین، مخالفان امکان تشکیل احزاب سیاسی در نظام اسلامی معتقدند با واکاوی منابع و ادله اسلامی با دلایلی روبه‌رو می‌شویم که مدلول آن‌ها بر عدم امکان تشکیل این احزاب در نظام اسلامی تأکید دارد؛ دلایلی مانند فراهم شدن موجبات تباهی در افراد جامعه اسلامی، تضاد میان مفاهیم و ارزش‌های دینی با هواداری و تعصبات حزبی، منبعث بودن حزب به معنای امروزی از تفکر سکولار و ضد معنوی بودن آن و عواملی از این قبیل بر ممانعت ایجاد احزاب و گروه‌های سیاسی در نظام اسلامی صحه می‌گذارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ش ۸۲، ص ۲۵-۲۲).

دیدگاه موافقین

در سوی دیگر، افرادی که موافق رابطه میان تحزب و نظام دینی بر مدار ولایت فقیه هستند، اعتقاد دارند که با اتکا به دلایل موجود در ارتباط با تأیید مشارکت فعال سیاسی

در نظام اسلامی از سوی شارع مقدس، می‌توان قائل به امکان تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی در این نوع نظام سیاسی شد. برخی از قائلین به این نظر معتقدند که آزادی ایجاد تشکّل‌ها علی‌الخصوص تشکیل احزاب مطابق با اندیشه نظام‌های غربی، دارای ایراداتی؛ مانند قدرت‌خواهی، انتقال قدرت در میان احزابی خاص و وابستگی زیاد احزاب و کانون‌های ثروت و قدرت، برآیندی جز به تباهی‌کشاندن حکومت‌ها را ندارد، اما اگر اصلی‌ترین وظیفه و هدف احزاب در نظام اسلامی معطوف به کارآمدسازی حکومت و نهادهای حکمرانی آن باشد، ایجاد و فعالیت این‌گونه تشکّل‌ها مطلوب بوده و با نظام اسلامی، نه تنها در تضاد نبوده بلکه با آن موافق و همراه خواهد بود (کعبی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶ و کعبی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴، ش ۹، ص ۱۲۴). برخی دیگر از افراد صاحب‌نظر عقیده دارند که وجود حزب سیاسی در نظام اسلامی به مثابه یک مسأله فقهی نوپدید و نوین بر طبق قاعده مقدمه واجب می‌تواند بدین‌گونه توجیه شود که گروه‌ها و تشکیلات سیاسی، به عنوان مقدمه واجب تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه، در شناسایی و تبیین مواضع بنیادین و سیاسی فقیهان طرف‌دار این نظریه از یک‌سو و نیز کمک به مردم در جهت گسترش آگاهی سیاسی‌شان به منظور تشویق برای مشارکت در نظام سیاسی از راه انتخابات از سوی دیگر، به شکل‌دهی و تشریح و شفاف‌سازی مصالح دینی و ملی که حدود و ثغور آن در مکتب اسلام تعیین شده و توسط فقیه جامع‌الشرائط به مردم ابلاغ می‌شود، دخالت و مشارکت مؤثری ایفا نمایند (فیرحی، ۱۳۷۷، ش ۳، ص ۱۴۳). بنابراین، با بررسی دیدگاه موافقین می‌توان بدین مقصود رهنمون گشت که این دسته از اندیشمندان اعتقاد دارند از آنجایی که بر طبق اصول متعدد قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه اسلام‌مداری و توسط مجلس خبرگانی نگارش یافت که اکثریت اعضای آن از اسلام‌شناسان و فقیهان مبرّزی بوده‌اند، حق مشارکت سیاسی مردم به رسمیت شناخته شده است و از آنجایی که عامه مردم توانایی لازم برای شناسایی و انتخاب مسؤولان حکومت و زمام‌داران را ندارند، احزاب سیاسی در این جا زمینه لازم را ابتدا از راه جذب و سازمان‌دادن به نیروها و سپس معرفی آن‌ها به مردم برای انتخاب فرد شایسته‌تر مهیا می‌سازد (کامل‌نواب، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴-۱۳۳).

نظر شهید بهشتی پیرامون مبنای وجود حزب در نظام اسلامی

با تتبع در آثار شهید بهشتی متوجه می‌شویم که ایشان از جمله مدافعان و موافقان وجود حزب در نظام اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه می‌باشند. ایشان با اعتقاد به ضرورت داشتن تشکیلات به عنوان عامل پیش‌برنده انقلاب اسلامی بیان می‌دارند:

معنای ولایت فقیه این نیست که ما دولت یا مجلس شورا نداشته باشیم، تشکل و نظم نداشته باشیم، سازمان‌های اداری نداشته باشیم! در یک تشکیلات سازنده و پردازنده و برنامه‌ریز هم همین اصل است. یعنی همین‌طور که در کل جامعه مسأله ولایت فقیه نفی داشتن تشکیلات حکومتی نیست، نفی داشتن تشکیلات حزبی برای ساختن و پرداختن استعدادها و برنامه‌ریزی و کادرسازی هم نیست. به عکس، چون در جامعه، اعمال ولایت فقیه نیازمند برنامه و برنامه‌ریزی و کادر است، حزب این نیازها را تأمین می‌کند. پس حزب در این راستا چه می‌کند؟ همان نیاز را تأمین می‌کند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰(ج)، ص ۱۴۷).

به عبارت بهتر، از نظر ایشان برای سازماندهی نیروها برای رهبری آن‌ها نیاز به حزب و تشکیلات در جامعه اسلامی است (کردی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹).

بنابراین، موضع شهید بهشتی پیرامون مبنای وجود حزب در نظام اسلامی آن است که وقتی رهبری جامعه در مسند ولایت فقیه می‌خواهد برای جامعه اسلامی تصمیم‌گیری نماید، با وجود یک سازمان و تشکل سیاسی بهتر می‌تواند آن تصمیمات را اتخاذ نموده و به منصفه ظهور و اجرا برساند.

مشخصه‌های حزب مطلوب از نظر شهید بهشتی

شهید بهشتی به دلیل نگاه دقیق و خاص خود، ویژگی‌هایی را برای حزب برشمرده است که در ادامه به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

تبعیت از اسلام ناب اجتهادمحور

از دید شهید بهشتی در زمان حاضر که عصر غیبت امام منصوب است و شیعه

دسترسی مستقیم به رهبری که از جانب خدا و پیغمبر تعیین شده باشد را ندارد، بایستی برای شناخت صحیح اسلام به کسانی مراجعه کرد که بر فهم قرآن توانا و از سیره نبی اکرم و امامان بعد از او به اندازه کافی آگاه باشند و بتوانند با استفاده از دو منبع قرآن و سنت، در باره مسائل روز نظر دهند و در خصوص مسائل و مطالب مستحدثه به اظهار نظر پردازند؛ چراکه معنای اجتهاد شخص فقیه در عصر فعلی، تلاش او برای فهم دقیق و عالمانه قوانین اسلامی از روی منابع آن بر اساس ضوابط خاص تحقیقی است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (ب)، ص ۴۱۹). در همین راستا شهید بهشتی معتقد است حزب در جامعه اسلامی یک تشکیلات سیاسی و اجتماعی است که بر پایه ایمان به مکتب اسلام به فعالیت می پردازد و به همین سبب باید تابع فرامین و اوامر ولی فقیه که تجسم اسلام اجتهاد محور است، باشد؛ زیرا حزب در جامعه اسلامی یک گروه متشکل و سازمان یافته در رابطه تام با ولایت فقیه در عرصه برنامه ریزی و اجرا می باشد. بنابراین، مشخصه اصلی تشکیلات حزب باید ایمان به اسلام خالص اجتهادی باشد که نشانه آن اعتقاد به ضرورت رهبری متعهد و آگاه؛ یعنی ولایت فقیه واجد شرایط است (همان، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۲۶).

مردمی بودن

ایشان بزرگترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران را مردمی بودن آن می داند و اعتقاد دارد که خصلت مردمی بودن انقلاب و متکی بودن انقلاب به توده مردم را باید حفظ کرد و حفظ این خصلت را بر هر مصلحت دیگر و هر کار خوب دیگر مقدم داشت تا جایی که مدیریت ملت و اداره مملکت، روز به روز بر خواست ملت و حمایت ملت بیش تر تکیه کند (اردشیری لاجیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳). در باور شهید بهشتی اولین نکته ای که در فضای جامعه اسلامی وجود دارد، این است که هیچ کس از دیگری بالاتر نیست؛ یعنی مساوات اسلامی، اولین مسأله محوری در جامعه است. اگر کسی معلوماتش بیش تر است، باید تواضعش بیش تر باشد. هر کس خدا بیش تر به او داده باشد، باید بیش از دیگران شکرگزار خدا باشد و تواضع نسبت به بندگان خدا، خود نوعی شکر نعمت بر

داده‌های خداست و باید این نوع اخلاقیات را در نظام اجتماعی دنبال کرد (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۴۹).

از همین رو، ایشان در توصیه‌ای به اعضای حزب جمهوری اسلامی چنین می‌فرمایند: اگر آن‌قدر خود را دوست داشته باشیم که دیگران را به حساب نیاوریم و بگوییم همه باید همان را بخواهند که من می‌خواهم، همه باید آن جور بفهمند که من می‌فهمم، همه باید در برابر من خاضع و خاشع و فرمان‌بردار باشند، این خویشتن‌دوستی تبدیل به استکبار، خودپسندی، خودمحوری و تعصب می‌شود؛ یا تعصب شخصی یا تعصب صنفی. این که فکر کنیم ما یک سرگردن از همه مردم بلندتریم، تعصب صنفی است. نه! ارزش ما به ایمان ما، به معرفت ما، به فضیلت و عمل ماست و بلکه ما باید از دیگران متواضع‌تر، فروتن‌تر و بی‌توقع‌تر باشیم؛ برای این که درخت هر چه پربارتر باشد، شاخه‌هایش به زمین نزدیک‌تر است. باید درختی باشیم پربار و در دسترس مردم تا میوه‌ها را بچینند و از آن بهره‌مند بشوند. باید با مردم، خاکی و متواضع باشیم. مردم فقط به خاطر خدا و علاقه‌شان به اسلام به من و تو علاقه دارند (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۳-۳۰۲).

شهید بهشتی باور داشت که حزب و تشکل اسلامی باید متعلق به همه مردم و گروه‌های جامعه باشد؛ به طوری که نشان‌گر اتصال و ارتباط همه اقشار مختلف جامعه با یکدیگر باشد و اعضای حزب باید در میان مردم بوده و با آن‌ها مرتبط باشند (همان، ۱۳۹۰ ج)، ص ۲۶).

پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی

در باور شهید بهشتی، حزب وظیفه حراست از ارزش‌های اصیل اسلامی را بر عهده دارد؛ چراکه تشکل بایستی نگهبان ارزش‌ها باشد، نه نگهبان خود و هر زمان که تشکل به جای آن که نگهبان ارزش‌ها باشد، به جای آن که تلاش‌گر در راه ارزش‌ها باشد، به جای آن که خداپرست و حق‌پرست و حق‌خواه و کمال‌دوست و کمال‌خواه باشد،

خودخواه شد، آن فقط یک طاغوت می‌شود و چه بهتر این چنین طاغوتی بر سر راه ملت نباشد (شعاع حسینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۵۵). به عبارت بهتر، حزب باید مجموعه‌ای از عناصر معتقد به اسلام و معتقد به مبارزه باشد که پاسدار ارزش‌های عالی اسلامی باشند، متعلق به ارزش‌ها باشند؛ به طوری که برای هر کار، برای هر سِمَت، برای هر مسؤولیت، بگردند ببینند چه کسی صالح‌تر است؛ خواه این فرد صالح‌تر رسماً عضو این تشکیلات باشد، خواه نباشد و تشکّل الهی آن است که نیروهای مؤمن به خدا و ارزش‌های عالی الهی و انسانی گرد هم می‌آیند تا در حد توان خود، از این ارزش‌های متعالی حراست نمایند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۲۱۱).

بیان صریح و روشن مواضع

شهید بهشتی صداقت و صراحت را به عنوان پایه اصلی و اولیه موضع‌گیری در رابطه با انقلاب اسلامی ایران می‌داند و معتقد است اساسی‌ترین موضع اجتماعی و روابط اجتماعی ما باید بر پایه صداقت باشد؛ زیرا اسلام دین حق‌پرستی و ارج‌نهادن به ارزش‌هاست و صداقت و راست‌گویی را ارج می‌نهد (شعاع حسینی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۲۳). از نگاه ایشان یکی از عوامل مهم تأثیرگذاری کلام پیامبران بر مردم عادی در این نکته بوده است که ایشان با عمل خویش، در انسان‌ها ایمان و باور به وجود می‌آورند و از همین رو این هشدار را می‌دهند که مبدا کردار شما گفتارتان را تکذیب کند و مردم را به چیزی دعوت کنید و خود به راه دیگری روید و مصداق «کذب قوله عمله» شوید؛ چراکه آفت انقلاب اسلامی آن است که گریبان‌گیر افرادی بشود که انقلاب و اسلام را وسیله کسب قدرت، شهرت، ثروت و ریاست کنند. به باور ایشان کسانی باید داعیه‌دار انقلاب و اسلام باشند که هرچه به آن‌ها نزدیک‌تر می‌شوید، اعتقاد شما به اسلام بیش‌تر بشود و افرادی باشند که زندگی‌شان، تعهد و تقوا و خداترسی‌شان را نشان دهد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۱-۳۳۲). شهید بهشتی معتقد است احزاب بایستی مواضع خود را به شکل صریح و آشکار و بدون دورویی و نفاق با مردم در میان بگذارند؛ زیرا جامعه بدون صداقت نمی‌تواند در خط سعادت پیشرفت کند. فلذا

ضرورت دارد تا احزاب و گروه‌های سیاسی بر مبنای صداقت رفتار کنند و از ریاکاری و تظاهر و مردم‌فریبی به دور باشند (همان، ۱۳۹۰ ج، ص ۸۵).

از بررسی مجموع این ویژگی‌ها چنین بر می‌آید که از دید شهید بهشتی چنانچه احزاب سیاسی با این مختصاتی که بیان شد، در جامعه اسلامی پدید آمده و به پویایی و رشد سطح آگاهی سیاسی مردم و نیز پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی از راه کادرسازی برای پیش‌برد اهداف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی کمکی بنمایند، این نوع حزب‌گرایی می‌تواند مفید و مطلوب باشد.

انواع حزب از نگاه شهید بهشتی

احزاب و جمعیت‌های سیاسی را می‌توان در قالب‌های متعددی از جمله احزاب توده‌ای (مانند حزب کارگر بریتانیا و حزب سوسیال‌دموکرات آلمان) و احزاب کادر (مانند احزاب کمونیستی و فاشیستی)، احزاب نمایندگی و احزاب یک‌پارچه‌ساز و احزاب وفادار به قانون اساسی و احزاب ضد قانون اساسی تقسیم و طبقه‌بندی نمود (هیوود، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴-۲۸۵). با بررسی و دقت در آثار شهید بهشتی متوجه می‌شویم که ایشان احزاب و جمعیت‌های سیاسی را بر مبنای رابطه آن‌ها با مکتب اسلام به سه قسم اسلامی، غیر اسلامی و ضد اسلامی تقسیم‌بندی کرده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

احزاب و جمعیت‌های اسلامی

شهید بهشتی در این باره معتقد است:

احزاب و جمعیت‌های سیاسی مسلمان معتقد به اسلام، معتقد به انقلاب اسلامی، معتقد به فقاقت و نقش فقیه ولی امر در جمهوری اسلامی به عنوان یک اصل و معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی، این گونه احزاب و گروه‌ها آزادند. یکی باشد، دو تا باشد، ده تا باشد، بیست تا باشد، [فرقی نمی‌کند؛ زیرا] جامعه جمهوری اسلامی، جامعه تک‌حزبی نیست و همین‌الآن در نوع اول احزاب و جمعیت‌های متعدد وجود دارند و رابطه‌شان هم رابطه برادرانه و بر مدار تعاون و تقوا است (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۳۹).

به عبارت بهتر، از نگاه شهید بهشتی، احزاب و جمعیت‌های اسلامی که بر اساس بینش اسلامی با برنامه‌های گوناگون برای اجرای تعالیم اسلام و در راه عینیت‌بخشیدن به نظام اسلامی به وجود آیند، از آزادی کامل برخوردارند؛ به شرط آن که همگی در راه صدق و راستی باشند و با یک‌دیگر مسابقه مثبت و سازنده داشته باشند.

در موضع ضدیت نبودن احزاب و جمعیت‌های غیر اسلامی

شهید بهشتی در این باره باور دارد:

احزاب و جمعیت‌هایی که اسلام را به عنوان یک مکتب و یک نظام باور دارند، ولی در برخی مسائل طرز تفکرشان مورد قبول نوع اول نیست، با آن‌ها فرق دارند. یک بویی از التقاط در اندیشه‌هایشان به مشام می‌رسد و اسلامی به نظر نمی‌آید. فقهای ما و فقاہت رهبری، آن‌ها را دارای اندیشه خالص اسلامی نمی‌شناسند، اما لجوج هم نیستند و روی انحرافشان لجاجت نمی‌کنند. حاضرند بیایند و حرف حساب را گوش کنند و به افرادشان نمی‌گویند نروید با این‌ها اصلاً بحث کنید. به اعضای‌شان امکان گفت‌وگو با صاحبان عقیده اسلامی خالص را می‌دهند، پس این‌ها اسلام را به عنوان یک نظام اجتماعی قبول دارند، ولی در اندیشه اسلامی‌شان یک چیزی به چشم می‌خورد؛ به طوری که فقاہت ولی امر آن‌ها را به عنوان اسلامی خالص قبول ندارد، اما با جمهوری اسلامی سر جنگ و دعوا ندارند. با نظام اسلامی متکی بر فقاہت و نقش فقیه ولی امر سر جنگ و دعوا ندارند. در بحث‌ها و گفت‌وگوها حاضرند آزاداندیشی کنند، این گروه دوم باز در جمهوری اسلامی آزادند. آزادانه می‌توانند فعالیت کنند، آزادانه می‌توانند جلسات بحث و گفت‌وگو داشته باشند، می‌توانند سخنرانی کنند، می‌توانند نشریات داشته باشند، این نوع هم کاملاً آزاد است. هم‌چنین احزاب و جمعیت‌هایی، مانند ملی‌گرایان که طرف‌دار نظام اسلامی نیستند و قبول ندارند که ما امروز می‌توانیم یک جامعه اسلامی بر پایه اسلام به وجود بیاوریم،

این‌ها فقط از ایران مستقل آزاد که مزدور بیگانه نیست، حرف می‌زنند. دشمن جمهوری اسلامی هم نیستند، اما قبولش ندارند و توطئه هم بر علیه‌اش نمی‌کنند. بین آن‌ها احیاناً نمازخوان و روزه‌بگیر هم فراوان است، فقط نظام اسلامی را قبول ندارند و الاً اسلام را به عنوان یک دین برای یک فرد باور کرده‌اند. این گروه، مشروط بر این‌که در نشریات‌شان دروغ نگویند، تهمت نزنند، شایعه‌سازی نکنند، در اصل بیان آرا و افکارشان آزادند و در فعالیت سیاسی‌شان آزادند (همان، ص ۴۴۰).

این نوع از احزاب از دیدگاه شهید بهشتی به احزاب و سازمان‌های غیر اسلامی که زیربنای اسلامی ندارند، ولی در موضع خصومت و رویارویی و ضدیت با اسلام نیستند، اطلاق می‌شود. این نوع از احزاب نیز با رعایت شرایطی که ذکر شد، آزادند و می‌توانند فعالیت کنند و وظیفه افراد و احزاب اسلامی است که با شیوه‌های منطقی، ضعف مبانی آن‌ها را برای عموم روشن کنند.

احزاب و جمعیت‌های ضد اسلامی

شهید بهشتی در این قسم از احزاب اعتقاد دارد:

احزاب و جمعیت‌هایی که اعتقادات‌شان الحادی بوده و ایدئولوژی‌شان ضد اسلام است و اسلام را قبول ندارند و می‌خواهند با اسلام مبارزه فرهنگی کنند، ولی با جمهوری اسلامی، مبارزه سیاسی و درگیری‌های توطئه‌آمیز ندارند، این‌ها در چهارچوبی که برای آرا و افکار الحادی عرض کردم، در آن چهارچوب می‌توانند آزاد باشند و کار نکنند. اما احزاب و جمعیت‌هایی که توطئه می‌کنند بر ضد جمهوری اسلامی [اعم از آن‌هایی که] توطئه‌های‌شان به حد قیام مسلحانه نمی‌رسد یا آن‌ها که در شکل قیام مسلحانه علیه دولت جمهوری اسلامی توطئه می‌کنند، ما این دو گروه را ضد اسلامی و غیر قانونی می‌دانیم و دستگاه قضایی و دستگاه انتظامی ما با این دو گروه با قاطعیت برخورد کند و ما صریحاً می‌گوییم همان‌طور که در

قانون اساسی آمده است، آزادی سیاسی بله، ولی آزادی توطئه هرگز!... بنابراین، برای گروه‌های اول و دوم با رعایت معیارهای مربوط به آزادی بیان و اندیشه‌ها تأمین است، ولی ما توطئه را با هر نام و در هر لباس و در هر شکل که باشد، محکوم می‌کنیم (همان، ص ۴۴۱).

بنابراین، شهید بهشتی در باره این قسم از احزاب اعتقاد دارد احزابی که اصولاً ایدئولوژی آن‌ها نفی‌کننده اسلام است، اگر در موضع تخریب نباشند و صرفاً به تبلیغ اکتفا کنند، با رعایت شرایطی که گفته شد، آزادند، اما همین احزاب، اگر در موضع تخریب باشند، ممنوع‌اند و باید با قاطعیت از کار آن‌ها جلوگیری شود.

آزادی تحزب و تشکیل احزاب سیاسی در جامعه اسلامی

در یک جامعه مبتنی بر مشارکت همگانی در تعیین سرنوشت خویش، فضای باز و آزاد سیاسی، همه مردم را وارد صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و صنفی می‌کند. در چنین جامعه‌ای نمی‌توان افراد را در یک قالب فکری مشخص قرار داد؛ زیرا آزادی اندیشه، خود به خود تنوع اندیشه را به همراه می‌آورد؛ بدین معنا که خصلت اجتماعی، پیروان هر یک از اندیشه‌های مشترک را در یک جا متمرکز می‌کند و کانون‌های فکری متعددی را به صورت احزاب و گروه‌های سیاسی، مذهبی، صنفی و اجتماعی نمایان می‌سازد (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۳). شهید بهشتی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را یک اصل از اصول عالی اسلامی دانسته و همواره خود را یکی از طرفداران حفظ آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌داند (سرابندی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۶۳). اما باید توجه داشت که ایشان آزادی انسان‌ها را امری مطلق نمی‌دانند، بلکه آن را مقید به این امر می‌دانند که اولاً: حدود آزادی را باید قانون معین کند و ثانیاً: آزادی‌ها نباید به اصول اسلامی و سلامت اخلاقی جامعه و آسایش عمومی مردم لطمه‌ای وارد کند. شهید بهشتی در این باره می‌فرماید:

به طور کلی آزادی انسان‌ها در رشد خود انسان و در بارور شدن حرکت کمال‌یاب هر انسانی تأثیر اساسی دارد. بنابراین، باید همان‌طوری که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و همان‌طوری که در تعالیم مقدس اسلام آمده باید در نظام

اجتماعی آزادی‌های لازم برای یک شهروندان جمهوری اسلامی تا حداکثر ممکن تأمین باشد؛ از جمله آزادی احزاب و اجتماعات و نشریات و بیان و قلم و تنها مرزی که برای این آزادی‌ها وجود دارد، این است که باید به اصول اسلامی ضربه نزند، باید به سلامت محیط اجتماعی از نظر عفت و اخلاق ضربه نزند. مثلاً ما دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی را هرگز نمی‌توانیم در جامعه اسلامی آزاد بگذاریم (انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۹۴۸).

آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌های سیاسی، یکی از حقوق بنیادینی است که در اصل ۲۶ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. شهید بهشتی در روند تصویب این اصل بنیادی قانون اساسی، آزادی احزاب را منوط به عدم داشتن ضدیت با مبانی اسلامی و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند:

تهیه‌کنندگان در گروه سه هم می‌خواستند این را بگویند که تشکیل گروه‌هایی برای بیان و اظهار نظر و بحث و گفت‌وگو پیرامون مسائل مختلف فکر بشری آزاد است، ولو خود این مسائل و خود این آرا، آرایبی باشد که مطابق با موازین اسلام نباشد، ولی آنچه آزاد نیست، عبارت است از مجامع و احزاب و جمعیت‌هایی که وجود آن‌ها درهم‌شکننده و سست‌کننده مبانی اسلام و جمهوری اسلامی باشد. ... این‌جا می‌گوید احزاب آزادند، ولی بعد شرط می‌کند که (مشروط بر این‌که در محتوای مرام‌نامه و عمل...) چند چیز را از جمله نظام جمهوری را نباید نقض کند. مرام‌نامه حزب کمونیست سرپا نقض جمهوری اسلامی است. مرام‌نامه نقض است؛ برای این‌که در محتوای آن مکتبی است که در برابر حزب مکتبی اسلام قرار دارد... اشکال آقای ربانی به نظر من هم وارد است؛ چون وقتی یک حزب مارکسیست - کمونیست است و حتی همان حزب مارکسیست - کمونیست فرانسه هم محتوای مرام‌نامه‌اش نفی جمهوری بورژوازی فرانسه است و نباید گفت محتوایش آن نیست و فعالیت سیاسی هم برای برانداختن آن نمی‌کند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۷۰).

شهید بهشتی در باره آزادی تحزب و تشکیل احزاب در جامعه اسلامی معتقد است آزادی در زمینه بیان نقطه نظرهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی با رعایت کامل اصول و احکام اسلام، هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و گروه‌ها می‌توانند در ابتکار برنامه‌ها و راه‌های عملی مناسب با شرایط زمان و مکان، ولی منطبق با احکام و مقررات اقتصادی و سیاسی و جزایی اسلام، در یک مسابقه مثبت و سازنده شرکت کنند؛ زیرا جامعه اسلامی امت واحده است، ولی جامعه تک‌حزبی نیست؛ زیرا احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که به راستی مسلمان‌اند، با هم رابطه برادرانه و مثبت و سازنده دارند، نه رقابت‌های خصمانه که برادری و وحدت امت را برهم می‌زند و رشک و کینه‌توزی و تفرقه را به جای آن می‌نشانند. از نگاه ایشان، احزاب و جمعیت‌هایی که ملتزم به احکام و مقررات اسلام باشند، می‌توانند با نسبت عادلانه از امکانات عمومی و مردمی؛ نظیر رادیو و تلویزیون استفاده کنند و برنامه‌های مستقل یا مشترک برای بیان آرا و افکار خود داشته باشند و این بخش می‌تواند از سازنده‌ترین بخش‌های رادیو و تلویزیون باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۷-۴۰۶). ایشان هم‌چنین باور دارد که تحزب یک ارزش عالی است، اما نه آن تحزبی که فقط خود را می‌بیند و غیر از خود را هیچ می‌انگارد، بلکه آن تحزب و تجمعی مطلوب است که تحزب و تجمّع حفاظت‌کنندگان ارزش‌های اصیل اسلامی باشند و مدافع خودشان نباشند (همان، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۱۰۳).

کارکردهای احزاب در نظام اسلامی

حزب به مانند هر پدیده جدید و مستحدثی که از جهان مدرن به جوامع اسلامی راه یافته است، می‌تواند دارای کارکردهایی در نظام اسلامی باشد؛ بر همین مبنا بایستی تلاش کرد از راه بومی‌سازی احزاب در جامعه اسلامی، از پیامدهای منفی آن کاست و موجب افزایش پیامدهای مثبت آن شد تا در این راستا بتوان به تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نزدیک‌تر شد. بر همین اساس، در این بخش برخی از پیامد و کارکردهای مثبت و منفی احزاب در نظام اسلامی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

کارکردهای مثبت

در این بخش کارکردهای مثبت احزاب و تشکل‌ها در جامعه اسلامی از نظرگاه آیه‌الله بهشتی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

نزدیک‌تر شدن افکار و عقاید مشابه

یکی از کارکردهای مهمی که احزاب از آن بهره می‌جویند، گردهم‌آوردن افرادی با افکار نزدیک به یک‌دیگر می‌باشد. از نگاه شهید بهشتی، یکی از حقوق طبیعی انسان‌ها آن است که بتواند با انسان‌های دیگر که با او هم‌فکر و هم‌هدف و همراه هستند، هم‌کاری نزدیک داشته باشد تا با هم به صورت یک گروه سازمان‌یافته در آیند و با رعایت موازینی که در مورد آزادی بیان و تبلیغ وجود دارد، به تبلیغ نظرات خود یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر بپردازند (همان، ۱۳۸۸، ص ۴۰۶). به بیان دیگر، حزب در اندیشه شهید بهشتی، تشکیلاتی است که برای نزدیک‌تر کردن استعداد‌های افراد و ساماندهی آن‌ها و تقویت پیوند میان ایشان به وجود آمده است و این نهاد اجتماعی می‌تواند این کارکرد مثبت را تحقق بخشیده و در راه رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی تلاش نمایند.

تقویت روحیه انضباط در جامعه اسلامی

یکی از کارکردهای مثبت وجود احزاب، تقویت روحیه نظم و انضباط در میان مردم برای پیش‌برد اهداف انقلاب اسلامی است؛ چراکه اگر نیروهای جامعه با یک‌دیگر هم‌فکر و همراه نباشند، هر برنامه‌ای برای خود یک آهنگ پیدا کرده و دیگر نمی‌توان انتظار حرکت و کوششی مستمر و مثمر ثمر در جهت تداوم انقلاب از این نهاد داشت. شهید بهشتی در همین رابطه اعتقاد دارند:

اداره یک جامعه، امروز تشکیلات مملکتی است و این تشکیلات، اگر خط فکری اسلامی اصیل، خط سیاسی کاملاً مستقل و نقطه‌نظرهای کاملاً حساب‌شده و صحیح و روشن اقتصادی و اجتماعی نداشته باشد، نمی‌تواند کار یک تشکیلات را خوب انجام دهد، نمی‌تواند عمل هماهنگ به وجود

بیاورد، نمی‌تواند در برابر مسائل و مشکلات فراوانی که در زندگی امروز بشر هست، راه‌های متناسب و هماهنگ عرضه کند و حتی در مقابله با دشمن هم نمی‌تواند عمل و عکس‌العمل مناسب و هماهنگ داشته باشد (همان، ۱۳۹۰ ج)، ص ۳۰۸-۳۰۷).

هدایت استعدادها به سمت میدان عمل اجتماعی

یکی از خواص مهم احزاب و تشکّل‌ها، شناسایی استعدادهای افراد و پرورش آن‌ها در جهت پیش‌برد آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ چراکه همواره دنباله‌شناخت، می‌بایستی عمل متناسب با آن، زمینه عمل باشد و این نهاد اجتماعی می‌تواند چنین نقشی را در جامعه اسلامی ایفا نماید. شهید بهشتی در همین رابطه اظهار می‌دارد:

معمولاً در فعالیتهای حزبی زمینه‌های هنری، علمی، نویسندگی، گویندگی، عملی و همه این‌ها وجود دارد و بنابراین، زمینه برای باروری استعدادها هست و این باروری در رابطه با خواسته‌های موجود است (همان، ص ۸۸).

زمینه‌سازی برای مشارکت بیش‌تر مردم

یکی از کارویژه‌های مثبتی که حزب می‌تواند در راه پیش‌برد اهداف نظام اسلامی ایفا نماید، زمینه‌سازی برای حضور بیش‌تر مردم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است؛ چراکه احزاب می‌توانند با استفاده از نیروهای مردمی و تبلیغ مواضع حزب خود، زمینه‌ساز حضور بیش‌تر مردم در انتخابات و عرصه‌های اجتماعی دیگر باشند. شهید بهشتی در همین رابطه معتقد است:

نظام جدید اجتماعی ایران، نظامی است اسلامی، ولی نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار و گزیش خودشان آن را انتخاب کردند، نظامی است در راه خدمت به مردم؛ یا به تعبیر دیگر، نظامی است مردمی بر پایه اسلام. بنابراین، نظام اجتماعی آینده ما نظامی است ایدئولوژیک، نه نظامی فاقد ایدئولوژی، متعهد در برابر اسلام و نظامی است مردمی و اومانیستی، نه ملی و ناسیونالیست، آن هم اومانیسم اسلامی که انسان‌دوست است، نه انسان‌پرست

و همه این مفاهیم در نامی که برای این نظام انتخاب شد، نهفته است. چه نامی انتخاب شد؟ جمهوری اسلامی (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (الف)، ص ۶۴).

کارکردهای منفی

در این قسمت کارکردهای منفی احزاب و تشکل‌ها در جامعه اسلامی از منظر دکتر بهشتی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

انحصارطلبی و خودپسندی

یکی از معایبی که می‌تواند جلوی پیشرفت و حرکت جامعه را در راه رسیدن اهداف انقلاب اسلامی بگیرد، مسأله خودخواهی و خودمحوری در احزاب است؛ این پیامد منفی موجب ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی شده و به تعبیر شهید بهشتی، یک تفکر طاغوتی است. ایشان در همین باره اظهار می‌دارند:

تشکل انحصارطلب و انحصارانندیش از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمعی که باشد، شیطانی از کار در می‌آید. طاغوت معنایش همین است. طاغوت می‌گوید من و غیر از من هیچ (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۹۹-۹۸).

جانشینی اشخاص به جای ارزش‌ها

یکی از معایبی که می‌تواند در راه تحزب در جامعه اسلامی خطرآفرین باشد، مسأله پاسداری از افراد به جای پاسداری از ارزش‌های اصیل اسلامی است؛ چراکه در روایات اسلامی نیز بر این امر تأکید شده است. از جمله این روایات «اعرف الحق تعرف اهله» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۲۶) و «اعرفوا منازل الرجال بالحق» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۱۱۴) می‌باشد. ایشان در همین باره اظهار می‌دارند:

یکی از مصیبت‌های زمان ما این است که اشخاص دارند کم کم جانشین ارزش‌ها می‌شوند، این خطرناک است. انقلاب ما انقلاب ارزش‌هاست! من مکرر در رابطه با خودم و دوستانم عرض کردم که دوستان عزیز ما را به جای ارزش‌ها بنشانند. عکس مسأله صحیح است. «اعرف الحق تعرف اهله». تعلیم اسلام و تعلیم مولا این است. تو ارزش‌ها را بشناس و اشخاص

را با ارزش‌ها بسنج. بحث‌ها باید بر محور ارزش‌ها باشد، حمایت‌ها باید از ارزش‌ها باشد، درودها باید بر ارزش‌ها باشد ... ما باید ارزش‌ها را بشناسیم، اشخاص را البته باید بشناسیم، شکی نیست، اما اول ارزش‌ها، بعد اشخاص، نه اول اشخاص، بعد ارزش‌ها! «اعرفوا منازل الرجال بالحق»، منزلت مردان و انسان‌ها را با محک حق عیار بنماید و بشناسید. معیارها باید مطرح باشد. مبدا انقلاب ما به بیراهه کشانده شود. مبدا حرکت شما مردم عزیز با ایمان کج‌روی پیدا کند و دچار کج‌روی بشود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۱۰۳).

گروه‌گرایی افراطی و برهم‌زننده اتحاد امت اسلامی

گروه‌گرایی افراطی یکی از عوامل موجب تفرقه در جامعه اسلامی است و این تفرقه باعث دورشدن از راه انقلاب اسلامی می‌شود. از نظر شهید بهشتی، وجه منفی گروه‌گرایی آن است که جانبداری گروهی و تعصب حزبی باعث آن می‌شود که اشخاص از محور حقیقت‌پرستی و عدالت منحرف شوند و هر فرد یا گروهی که درگیر چنین آفتی شود، نمی‌تواند در راه تحقق اهداف اسلام و انقلاب حرکت کند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ (ج)، ص ۳۴۰). شهید بهشتی در همین رابطه اظهار می‌دارند:

گروه‌گرایی به هیچ عنوان نباید باشد! بلکه ارزش‌ها، ضوابط و لیاقت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. حالا فرد مورد نظر، عضو تشکیلات ما باشد یا نباشد؛ بنابراین، این تشکیلات، اگر از این اصل منحرف شود، مخالفت خود را با آن اعلام می‌کنم (همان، ص ۳۳۰).

قدرت‌طلبی

یکی از پیامدهای منفی حزب‌گرایی که می‌تواند جامعه اسلامی را از رسیدن به اهداف و آرمان‌های خود با خطری جدی و مشکلات فراوان روبه‌رو کند، قدرت‌طلبی در میان احزاب سیاسی است. به باور شهید بهشتی، روح تشکیلات در حزب این است که هر فردی تلاش نماید تا در جای مناسب و مؤثری قرار گیرد و طبیعتاً هرچه فرد بخواهد مؤثرتر باشد، مقام و سمت او بالاتر می‌رود. این امری طبیعی است و قدرت هم

بیش تر می باشد، لکن در این تلاش خود، نیاستی انگیزه های جاه طلبانه خود را ارضا کرده و انگیزه او مقام طلبی، ریاست طلبی و قدرت خواهی باشد، بلکه بایستی انگیزه شخص، خدایی و در راه انجام وظیفه و خدمت گذاری به مردم باشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰ج)، ص ۱۶۹). در همین رابطه شهید بهشتی عقیده دارد:

حزب باید در درجه اول مسجد باشد. برای این که چنین حوزه ای برای حزب، واقعاً سازنده روح الهی و اخلاق است. سیاست دارد، اما سیاستش سیاست الهی است؛ سیاست علوی است، نه سیاست اموی. سیاست معاویه نیست، سیاست علی است، هر چه می کند، عبادت است و لذا ما گفتیم نخستین جا در هر منطقه برای حزب، مسجدها و مدرسه هاست. حزب باید سازندگی داشته باشد و جای سیاست بازان و سیاست پیشگان نیست، جای مجاهدان راه حق است و انواع جهاد و این باید در سیما، گفتار و رفتارشان نشان داده شود (همان، ص ۱۷۱-۱۷۰).

بدین ترتیب، می توان در پایان این بند چنین گفت که احزاب در نظام اسلامی می توانند پیامد و کارکردهای مثبت و منفی داشته باشند. از این رو، احزاب می بایستی تا جای ممکن سعی بر آن داشته باشند که از به وجود آمدن پیامدهای منفی در میان اعضای خود جلوگیری نموده و کارکردهای مثبت احزاب را تقویت نمایند تا بدین وسیله، نظام اسلامی بتواند در راه رسیدن به آرمانها و اهداف خود پیشرفت نماید.

نتیجه گیری

وجود آزادی سیاسی به ویژه آزادی تشکیل احزاب در هر جامعه مردم سالاری می تواند به رشد و پیشرفت نظام حکمرانی در آن کشور کمک زیادی بنماید و نقش آفرینی و مشارکت بیش تر مردم را به دنبال داشته باشد. این نکته به خصوص می تواند در جامعه اسلامی از اهمیت دوچندانی برخوردار باشد؛ چراکه احزاب به مثابه نهادهایی که صدای رسای مردم تلقی می شوند، می توانند در راستای ایفای نقش واسطه گری خود در راه انجام وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر بر طبق

اصل هشتم قانون اساسی که وظیفه‌ای عام و همگانی میان مردم و دولت انگاشته شده است، گام بردارند. در همین راستا شهید بهشتی به عنوان یکی از متفکران برجسته انقلاب اسلامی اعتقاد دارد که آزادی تحزب و ایجاد تشکیلات سیاسی در جامعه اسلامی می‌تواند زمینه هم‌کاری برادرانه و تضارب آرای مختلف را فراهم آورد و این مسأله در رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. شهید بهشتی عقیده دارد که حزب در نظام اسلامی به معنای یک تشکل خدامحور است که در راستای کادرسازی برای کمک به ولی امر و رهبر جامعه در جهت اعمال ولایت فقیه در جامعه اسلامی گام بر می‌دارد و از این منظر، ایشان وجود حزب در جامعه، نه تنها منافاتی با وجود نهاد ولایت فقیه ندارد، بلکه نقش و جایگاه آن را در راستای کمک به ولی فقیه تلقی می‌نمایند و قائل به وجود مبنای اسلامی برای حزب هستند. ایشان فلسفه وجود احزاب و تشکل‌های سیاسی در جامعه اسلامی را در آن می‌دانند که کارهای دسته‌جمعی از ثمرات و نتایج بهتری نسبت به کارهای انفرادی برخوردار است و برای پیش‌برد اهداف انقلاب اسلامی، باید تشکیلاتی داشت که از ویژگی‌های مهمی هم‌چون تبعیت از اسلام ولایت‌مدار، بودن در میان مردم، پاسداشت ارزش‌های انقلاب اسلامی و اعلام صریح مواضع و خطوط فکری برخوردار باشد. در دسته‌بندی‌های مختلف، احزاب را از جهات گوناگونی دسته‌بندی می‌کنند، لکن با بررسی گفتارها و نوشتارهای شهید بهشتی روشن شد که ایشان تشکیلات و احزاب سیاسی را بر مبنای رابطه آن‌ها با مکتب اسلام به سه دسته اسلامی، غیر اسلامی بدون موضع ضدیت و ضد اسلامی تقسیم می‌نمایند که از نگاه ایشان، احزاب غیر اسلامی با رعایت شرایط قانونی نظام جمهوری اسلامی می‌توانند به فعالیت حزبی پردازند، اما احزاب ضد اسلامی، همانند حزب کمونیستی به خاطر برخورداری از مواضع ضد اسلامی‌شان مجاز به فعالیت نیستند. هم‌چنین احزاب در نظام اسلامی می‌توانند پیامد و کارکردهای مثبت و منفی داشته باشند. از این‌رو، احزاب می‌بایستی تا جای ممکن سعی بر آن داشته باشند که از به وجود آمدن پیامدهای منفی در میان اعضای خود جلوگیری نموده و کارکردهای مثبت احزاب را تقویت نمایند تا بدین وسیله نظام اسلامی بتواند در راه رسیدن به آرمان‌ها و اهداف خود پیشرفت نماید.

یادداشت‌ها

1. Political party.
2. Edmund Burke.
3. Leacock.
4. Mac Iver.
5. Andrew Heywood.

۶. اصل هشتم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

منابع و مأخذ

۱. ابطحی، سیدمصطفی و حیدری، نصرت‌الله، «تحزب در نظام سیاسی ولایت فقیه»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، ش ۲۴، ۱۳۹۲.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، «حزب و تحزب در اندیشه اسلامی»، فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، ش ۸۲، ۱۳۸۸.
۳. اردشیری لاجیمی، حسن، گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی، قم: نشر بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۹۰.
۴. انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، او به تنهایی یک امت بود، ج ۳، تهران: انتشارات واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
۵. جوان آراسته، حسین و ملک‌افضلی، محسن، حقوق اساسی ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
۶. حسینی بهشتی، سیدمحمد، حزب جمهوری اسلامی (گفتارها، گفت‌وگوها، نوشتارها)، تهران: نشر روزنه، چ ۲، ۱۳۹۰ (ج).
۷. حسینی بهشتی، سیدمحمد، حزب جمهوری اسلامی (مواضع تفصیلی)، تهران: نشر روزنه، چ ۲، ۱۳۸۸.
۸. حسینی بهشتی، سیدمحمد، شناخت اسلام، تهران: نشر بقعه، چ ۲، تهران، ۱۳۹۰ (ب).
۹. حسینی بهشتی، سیدمحمد، مبانی نظری قانون اساسی، تهران: نشر بقعه، چ ۴، ۱۳۹۰ (الف).

۱۰. حسینی بهشتی، سیدمحمد، **نظام اقتصادی در اسلام (مباحث نظری)**، تهران: نشر روزنه، چ ۲، ۱۳۹۷.
۱۱. حر عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعة**، ج ۲۰، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. شاه‌علی، احمدرضا، «آزادی سیاسی و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قانون اساسی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم، ش ۳۵، ۱۳۹۲.
۱۳. شعاع‌حسینی، فرامرز، **بهشتی از زبان بهشتی**، ج ۲ و ۳، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۲.
۱۴. صالحی، جواد، «ضرورت قانون برای جامعه»، **ماهنامه کانون**، سال پنجاه و سوم، ش ۱۱۷، ۱۳۹۰.
۱۵. **صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، ج ۱، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۶. فیرحی، داوود، «مبانی آزادی و «حزب» در مذهب شیعه»، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال اول، ش ۳، چ ۲، ۱۳۹۰.
۱۷. قاضی شریعت‌پناهی، سیدابوالفضل، **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان، چ ۶۰، ۱۳۹۹.
۱۸. کامل‌نواب، مرتضی، **جایگاه و کارکرد احزاب در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نظریه ولایت فقیه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محسن اسماعیلی، دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۲.
۱۹. کردی، رضا، **زندگی و مبارزات شهید آیه‌الله بهشتی**، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۰. کعبی، عباس و فتاحی زفرقندی، علی، «نقش و جایگاه احزاب سیاسی در حکومت اسلامی»، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، سال چهارم، ش ۹، ۱۳۹۴.
۲۱. کعبی، عباس، **فرآیند تربیت نیرو در نظام اسلامی (دولت اقدام)**، تهران: انتشارات مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۴۰، تهران: انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۳. هاشمی، سیدمحمد، **حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی**، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
۲۴. هیوود، اندرو، **کلیدواژه‌ها در سیاست و حقوق عمومی**، ترجمه اردشیر امیراجمند و سیدباسم مولی‌زاده، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۸۹.